

اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران

فرهاد خداداد کاشی*، ابراهیم جاویدی**

مقدمه: عدم دسترسی به سطح معین و حداقل رفاه که از آن به عنوان فقر یاد می‌شود، پدیده‌ای جهانی است و در کشور ایران نیز به عنوان یک چالش اساسی مطرح می‌باشد. در ایران، هم در مجامع علمی و دانشگاهی و هم در حوزه اجرایی و سیاست‌گذاری شناخت اندازه فقر و مؤلفه‌های آن مورد توجه بوده و مبارزه با فقر در برنامه‌های پنج ساله مورد تأکید قرار گرفته است اما هنوز فقر به عنوان یک معضل اساسی مطرح می‌باشد. دانشمندان حوزه علوم اجتماعی و اقتصاد جهت کاهش فقر راه‌حل‌های مختلفی را پیشنهاد داده‌اند و سران کشورها در مجامع بین‌المللی متعهد به مبارزه با فقر شده‌اند. مبارزه با فقر مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر فقر می‌باشد و در این ارتباط دانشمندانی همچون سن، شولتز و بکر از آموزش و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به عنوان راه‌حل مؤثر برای خروج از فقر یاد می‌کنند. در این مقاله در صدد ارزیابی تأثیر آموزش بر فقر در مناطق شهری و روستایی ایران می‌باشیم.

روش: از آن جا که در صدد تشخیص تأثیر آموزش بر اندازه فقر در ایران می‌باشیم لذا روش تحقیق، به صورت توصیف - تبیینی راهنمای ما در این پژوهش می‌باشد. در این مقاله با استفاده از داده‌های خام طرح آماری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، اثر سطح آموزش بر ابعاد مختلف فقر خانوارهای شهری و روستایی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای پیشبرد برنامه پیش‌بینی شده در این تحقیق ابتدا خط فقر محاسبه می‌شود و سپس خانوارهای فقیر و غیر فقیر تفکیک می‌شوند. پس از شناسایی خانوارهای فقیر و غیر فقیر از مدل پروبیت برای ارزیابی کمی اثر متغیر آموزش و سایر متغیرها بر اندازه فقر استفاده می‌شود.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تخمین مدل پروبیت دلالت بر آن دارد که اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر (درآمد، مسکن و بهداشت) در مناطق شهری و روستایی معنادار بوده و با افزایش سطح آموزش و نسبت افراد دارای درآمد در خانوار، احتمال فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی خانوارها کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد احتمال فقیر بودن خانوارهای با سرپرست زن بیش‌تر از خانوارهای با سرپرست مرد می‌باشد.

نتایج: با توجه به یافته‌های این مقاله ملاحظه می‌شود که دیدگاه‌های نظری در مورد آموزش و سرمایه انسانی با شرایط ایران سازگار می‌باشد و آموزش اثر کاهنده بر فقر دارد و در واقع با افزایش سطح آموزش، قابلیت‌های فرد و خانوار ایرانی ارتقاء می‌یابد و قدرت انطباق با شرایط و حل مشکلات افزایش می‌یابد. بر این اساس توسعه انواع آموزش و سرمایه‌گذاری در امر نیروی انسانی به ویژه از محل منابع دولتی قابل توصیه است و دولت می‌باید با ایجاد انگیزه، آحاد جامعه را به تراکم سرمایه انسانی تشویق کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش و مدل پروبیت، فقر بهداشت، فقر درآمدی، فقر مسکن

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۶

* دکتر اقتصاد، سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور <khodadad@pnu.ac.ir> (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه پیام نور

مقدمه

جهان در شرایطی وارد هزاره سوم میلادی شد که فقر به عنوان مهم‌ترین چالش جامعه بشری فراروی جهانیان خودنمایی می‌کرد و جمعیتی بیش از ۱/۲ میلیارد نفر را در بر می‌گرفت. هرچند سران کشورها طی دهه گذشته، نگرانی و دغدغه خود نسبت به موضوع فقر و ابعاد گوناگون آن را در نشست‌های بین‌المللی متعدد و سایر عرصه‌های سیاسی نمایان ساخته و حتی نسبت به مبارزه با آن متعهد شده‌اند (گزارش توسعه هزاره: ۲۰۰۱-۲۰۰۰). اهمیت فقر در جامعه جهانی و ضرورت مبارزه با آن به قدری است که جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ به عنوان نمادی از این توجه به برجسته‌ترین پژوهشگر مسائل فقر جهان، آمارتیا سن اعطا شد.

در برنامه‌های توسعه هزاره سوم پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۱۵ فقر شدید و گرسنگی ریشه‌کن و آموزش ابتدایی همگانی شود. توجه به فقرا و حمایت از آنان در قانون جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است (اصل دوم، اصل سوم، اصل بیست و یکم و اصل بیست و نهم)، اما قاطع‌ترین نشانه توجه به فقرا در قانون اساسی در اصل چهل و سوم دیده می‌شود که به ریشه کن کردن فقر و محرومیت از جامعه توجه خاص دارد. مبارزه با فقر در ابعاد مختلف امکان‌پذیر می‌باشد، قبل از هر گونه اقدام برای کاهش فقر باید مؤلفه‌های فقر را شناسایی کرد و با تشخیص عوامل مؤثر بر فقر نسبت به کاهش و امحاء آن اقدام نمود. یکی از عواملی که اثر منفی بر فقر دارد، آموزش و یا به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است. بسیاری از دانشمندان همچون شولتز^۱ و بکر^۲ معتقدند که آموزش هم از طریق بازده پولی و هم از طریق اثرات غیر پولی موجب کاهش فقر می‌شود. به هر حال تأثیر آموزش روی فقر محدود به اثرات مالی (پولی) درآمد و دستمزد نیست بلکه اثرات غیر پولی در ابعاد مختلف بهداشتی، مسکن و تغذیه موجب کاهش فقر

1- Schult

2- Becker

می‌شود. سن^۱ (۱۹۷۶)، همواره تأکید می‌کند که آموزش نه تنها موجب افزایش درآمد فرد و خانوار می‌شود بلکه بر رفتار، شیوه تصمیم‌گیری و استفاده از فرصت‌های پیشروی آن‌ها تأثیرگذار می‌باشد. هر دو کارکرد فوق موجب می‌شود که افراد در مواجهه با شرایط سخت اقتصادی با تصمیم‌گیری صحیح و به اتکای دانش و مهارت مکتسبه از فقر دوری کنند (ذالاکا، ۲۰۰۷).^۲

معلومات، دانش و عملکرد هر فرد به وی اجازه می‌دهد به نحو احسن از خود مراقبت کند و هرچه سطح تحصیلات و اطلاعات وی بیش‌تر باشد، بهتر می‌تواند خود را از معرض بیماری‌ها دور نگه دارد. علاوه بر این با افزایش سطح تحصیلات، زمینه جرم (یعنی فقر و بیکاری) کاهش می‌یابد. از طرف دیگر هرچه سطح آموزش در نزد اعضای خانوار بیش‌تر باشد افراد خانوار برای آینده خود بهتر برنامه‌ریزی می‌کنند و نسبت به آینده فرزندان خود از پیش تصمیم می‌گیرند و بهداشت و تنظیم خانواده به خوبی صورت می‌پذیرد. در مجموع با توجه به مطالب فوق مشخص می‌شود، که در بررسی اثر آموزش بر فقر باید هر دو جنبه پولی و غیر پولی فقر مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله ضمن معرفی جنبه‌های مختلف فقر و آموزش، اثر آموزش بر ابعاد مختلف فقر (درآمد، مسکن و بهداشت) با استفاده از مدل پروبیت ارزیابی می‌شود.

مبانی نظری

همان‌گونه که در گزارش توسعه جهانی (۲۰۰۱-۲۰۰۰) نیز تأکید شده، فقر دارای جنبه‌های متعدد و فراتر از مفهوم درآمد ناچیز می‌باشد. در واقع تحلیل فقر از جنبه‌های مختلف این امکان را فراهم می‌سازد که جنبه‌های مختلف محرومیت گروه‌های فقیر شناسایی شود.

1- Amartya Sen
2- Blanca, Zuluga

در سال‌های اخیر جنبه‌های مختلف فقر هم در محافل دانشگاهی و هم در حوزه سیاست‌گذاری مورد توجه ویژه قرار گرفته است و لذا فقر در ابعادی فراتر از فقر درآمدی و در حوزه‌هایی همچون فقر بهداشتی، فقر آموزشی، فقر مسکن و فقر قابلیت‌های مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته این مسئله برای دولت‌ها مشکلاتی را در مبارزه با فقر ایجاد می‌کند زیرا در برنامه‌ریزی جهت مبارزه با فقر باید پیچیدگی‌های و جنبه‌های مختلف فقر مورد توجه قرار گیرد.

شاخص‌های پولی فقر

معیار درآمد پولی یا مخارج مصرفی برای معرفی و محاسبه فقر پیشینه‌ای دیرینه دارد. مطالعه کلاسیک فقر توسط راونتری در شهر یورک انگلستان به سال ۱۸۹۹ و برآوردهای جاری بانک جهانی (۲۰۰۵) از فقر درآمدی در جهان، دیدگاه و رهیافت مشترک مشاهده می‌شود. این رویکرد با تکیه بر بررسی هزینه و درآمد خانوارها به تحلیل کمی و اندازه‌گیری فقر خانوارها منجر شد. البته اندازه‌گیری فقر بر پایه هزینه یا درآمد از نقص مبرا نیست زیرا طراحی الگوی بررسی بین کشورها در طول زمان متفاوت است و این امر مقایسه را مشکل می‌کند و علاوه بر آن داده‌های گردآوری شده درآمد یا هزینه خانوارها نمی‌تواند نابرابری درون خانوارها را آشکار کند.

شاخص‌های غیر پولی فقر

هر چند فقر به طور سنتی بر مبنای واحد پول و تحت عنوان فقر درآمدی اندازه‌گیری می‌شود اما فقر دارای جنبه‌های غیرپولی و غیر درآمدی نیز می‌باشد و از ابعاد مختلف قابل بررسی و ارزیابی است. فقر صرفاً به معنای درآمد ناکافی نیست بلکه فقر را می‌توان براساس شرایط بهداشتی، تغذیه، آموزش، مسکن (سرپناه)، میزان مشارکت اجتماعی و قابلیت‌های افراد و خانوارها مورد مطالعه قرار داد (محمودی، ۱۳۸۴). استفاده از ابزارهای

اندازه‌گیری فقر براساس شاخص‌های غیر پولی نیاز به ملاک‌هایی دارد که براساس اندازه آن‌ها و تطبیق با شرایط فرد و خانوار بتوان تشخیص داد که خانوار یا فرد فقیر می‌باشد یا خیر. با توجه به سلسله مراتب نیاز افراد می‌توان علاوه بر فقر درآمدی جنبه‌های دیگر فقر را شناسایی و در مورد اندازه فقر قضاوت کرد. در این مقاله ضمن بررسی و اندازه‌گیری فقر درآمدی، فقر بهداشتی و فقر مسکن در سطح خانوارهای شهری و روستایی مورد توجه می‌باشد.

آموزش به مثابه سرمایه انسانی

در تمام جوامع افرادی با سطح تحصیلات بالاتر به طور متوسط از سطح درآمد بالاتری نسبت به افراد با تحصیلات کم‌تر برخوردار هستند. بدین ترتیب، برای آموزش منافی به صورت افزایش درآمد در طول زندگی افراد مترتب است. اولین کاربرد جدی مفهوم سرمایه انسانی به ویلیام پتی، نخستین آمارگیر و حسابدار ملی نسبت داده می‌شود؛ زمانی که وی در سال ۱۶۷۶ زیان‌های جنگ ناشی از خسارت‌های تجهیزات و ماشین‌آلات نظامی را با خسارت‌های انسانی مقایسه نمود.

در نوشته‌ها و مقالات موجود درباره سرمایه انسانی که پیشگام آن شولتز و بکر بودند، آموزش به عنوان منبعی برای ایجاد، حفظ و ارتقاء سرمایه انسانی در نظر گرفته می‌شود. این دانشمندان معتقد بودند که علم و مهارت هر کدام اشکال مختلفی از سرمایه هستند که به نوعی نتیجه سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده می‌باشند. آموزش و پرورش و سلامت جسمانی، فرصت‌ها و موقعیت‌های اشخاص را با تأثیر گذاشتن روی توانایی آن‌ها برای انجام کار مولد افزایش می‌دهد. شولتز (۱۹۶۱) همچنین معتقد است میزان دسترسی اشخاص به درآمد با میزان تحصیلات و سلامت جسمانی در ارتباط است و تفاوت در میزان درآمد به تفاوت در سطح تحصیلات و سلامت بدنی بر می‌گردد. گری بکر (۱۹۶۴)، از آن دسته اقتصاد دانانی می‌باشد که بر نقش سرمایه انسانی سرمایه در توسعه اقتصادی و

تأثیر آن بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی تأکید داشته و مراحل شکل‌گیری و شیوه‌های ایجاد آن را تصویر کرده است. وی نشان داد که سرمایه انسانی نه تنها از طریق تراکم و انباشت سرمایه آموزشی، بلکه از راه‌های بی‌شمار دیگری به دست می‌آید. گری بکر در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به مطالعاتی در مورد اثرات سرمایه‌گذاری آموزشی بر سطح و توزیع در آمد افراد در طی دوران زندگی پرداخت. او در تحقیق خود مفهوم سرمایه انسانی و آموزش و تعلیم مهارت‌ها را شکلی از سرمایه‌گذاری به حساب آورد که موجب سودآوری به صورت درآمد بیش‌تر می‌شود.

ژاکوب مینسر^۱ (۱۹۸۵) با استفاده از مدل تابع درآمدی چگونگی توزیع درآمدها را با توجه به تفاوت‌های فردی به لحاظ آموزش توضیح داد. وی تابع درآمدی را به شکل یک رگرسیون نیمه لگاریتمی ارائه کرد که در آن متغیر تابع یعنی درآمد افراد به صورت لگاریتم طبیعی ظاهر می‌شود. متغیرهای مستقل عبارتند از سال‌های تحصیل، سال‌های تجربه و توان دوم سال‌های تجربه (سابقه کار) شخص است. در این روش ضریب متغیر سال‌های تحصیل نشان دهنده نرخ بازدهی متوسط در طی سال‌های آموزشی است.
$$LnY = +\beta_1 + \beta_2n + \beta_3x^2 + U_i$$
 که در آن LnY عبارت است از دریافتی افراد و β_1 یعنی نرخ بازدهی آموزش می‌باشد.

پیشینه تحقیق

درخصوص فقر و آموزش به تنهایی مطالعات فراوانی انجام یافته است. فقر در ایران از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. عظیمی (۱۳۸۸) در اثر خود تحت عنوان مدارهای توسعه نیافتگی، اندازه و گستردگی فقر را به سطح محصول سرانه و میزان نابرابری درآمد مرتبط دانست. وی در مطالعه خود حجم فقر در ایران را برحسب شاخص‌های تولید و مصرف سرانه، اشتغال، بیکاری و مسکن ارزیابی کرد. عظیمی با استفاده از

1- Mincer

سرشماری سال ۱۳۶۵ و ویژگی مسکن خانوارهای ایرانی برآوردی از حجم فقر و محرومیت مردم ایران را ارائه داد. وی با توجه به تعداد افراد خانوار و تعداد اتاق در دسترس آن‌ها نتیجه گرفت ۱۵,۳۷۳ میلیون نفر از مردم ایران در سال ۱۳۶۵ دچار محرومیت بودند. پس از انقلاب پژوهشگران در مطالعات متعدد (۱۹۹۴ و ۱۳۷۵) فقر در ایران را به ویژه به لحاظ اندازه مطالعه نمود. رئیس دانا (۱۳۸۴) در قالب بحث نظری جنبه‌های مختلف اندازه‌گیری فقر و به ویژه ارزیابی شدت فقر مبادرت کرد. وی در این مقاله ضمن معرفی اصول متعارف مورد استفاده سن و کاکوانی در ساختن شاخص فقر به صورت غیر پارامتریک اندازه فقر را محاسبه کرد. راغفر (۱۳۸۴) در مطالعه خود درصدد پاسخ به این سؤال برآمد که چرا با وجود پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی هنوز بخش قابل توجهی از مردم دنیا فقیر می‌باشند. وی به این نتیجه رسید که فقر نتیجه ساختار قدرت و نظام اجتماعی است.

در یکی از مطالعات اخیر، صالحی اصفهانی (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های بودجه خانوار نتیجه گرفت میزان فقر در ایران در سال‌های اخیر و در مقایسه با قبل از انقلاب کاهش یافته است. وی همچنین نتیجه گرفت به دلیل دسترسی بیش‌تر به خدمات پایه مثل آب سالم، برق، گاز و مالکیت لوازم خانگی سطح رفاه مردم و به ویژه رفاه گروه‌های کم درآمد افزایش یافته است. صالحی اصفهانی (۲۰۱۰) در مقاله دیگر با استفاده از داده‌های مربوط به خانوارهای معین در چهار سال متمادی پویایی فقر و امکان خروج از فقر را در جامعه ایران برای دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۲ بررسی کرد. ثابت بودن خانوارها در طی دوره مطالعه امکان شناسایی تغییر در اندازه فقر را فراهم کرد. صالحی اصفهانی دریافت تحرک درآمدی یعنی انتقال از یک گروه درآمدی به گروه درآمدی دیگر بسیار زیاد است. این تحرک درآمدی موجب تخفیف نابرابری درآمدی مزمین می‌شود. وی همچنین نتیجه گرفت فردی که در پایین‌ترین (بالترین) گروه درآمدی قرار دارد بین ۲۵ تا ۵۰ درصد شانس انتقال به گروه درآمدی بالاتر (پایین‌تر) را دارا می‌باشد. یافته‌های وی دلالت بر آن داشت که مناطق

شهری در مقایسه با مناطق روستایی، بیش‌تر از فقر مزمن در رنج می‌باشند. یکی از یافته‌های وی که با موضوع این مقاله مرتبط می‌باشد دلالت بر آن دارد که فقر مزمن در خانوارهای با سرپرست بی‌سواد یا کم‌سواد بیش‌تر رایج می‌باشد.

با بررسی ادبیات موضوع می‌توان مطالعاتی را یافت که در آن رابطه آموزش و بعضی از ابعاد فقر از جمله درآمد بررسی شده است. چنری و دیگران^۱ (۱۹۷۴)، با استفاده از یک تحلیل برش مقطعی در مورد ۶۶ کشور به بررسی تأثیر عوامل مختلف، از جمله آموزش بر نابرابری درآمد پرداختند. معیار آن‌ها برای آموزش عبارت بود از نرخ ثبت نام در مقطع ابتدایی و دبیرستان و نتایج حاکی از آن بود که آموزش اثر معناداری بر نابرابری درآمد دارد.

علمی، کریمی و کسرابی (۱۳۸۲)، با مطالعه اثر آموزش بر درآمد افراد شهری در ایران با استفاده از روش‌های الگوی تحلیل چند سطحی در جهت برطرف کردن مشکلات ناشی از کاربرد روش کلاسیک برآمدند. روش تحلیل چند سطحی از روش‌هایی است که با در نظر گرفتن ساختار سلسه مراتبی داده‌ها و قرار دادن آن‌ها در سطوح مختلف انجام می‌شود. آن‌ها در مقاله خود ابتدا با ترسیم منحنی‌های «سن - درآمد» شاغلین مناطق شهری ایران، تأثیر آموزش بر درآمد افراد را در مناطق شهری مختلف بررسی کردند. آن‌ها برای توضیح تغییر درآمد شاغلین در مناطق شهری از تابع دریافتی مینسر استفاده کردند.

سوری (۱۳۸۵)، با بررسی توزیع فقر درآمدی و فقر مسکن در کشور کارآیی نظام پرداخت یارانه‌های مسکن را مطالعه قرار داد. وی ضمن تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی خانوارهای ایرانی، رفاه اقتصادی خانوارها و چگونگی توزیع آن را در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ بررسی و مقایسه کرد. هزینه مسکن خانوارها و خصوصیات منزل مسکونی آن‌ها مستقل از سطح درآمدشان مورد توجه سوری قرار گرفت. وی با توجه به این استدلال که فقر مسکن مقوله‌ای متفاوت از فقر درآمدی است، نتیجه گرفت که جامعه

1- Chenery

هدف برای سیاست‌های حمایتی مسکن متفاوت از جامعه هدف سیاستی است که هدف آن مبارزه با فقر درآمدی است. البته سوری به وجه اشتراک این سیاست‌ها بی‌توجه نبود. وی بر مبنای خصوصیات قابل مشاهده مسکن خانوارها، معیاری برای مقایسه وضع دهک‌های مختلف درآمدی پیشنهاد داد.

وحید مهربانی (۱۳۸۷)، در مقاله خود با موضوع تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها تأثیر مخارج آموزش بر فقر و نابرابری در آمد را مورد توجه قرار داد. وی از بعد نظری اظهار داشت که آموزش از سطح فقر و نابرابری درآمد می‌کاهد و از بعد تجربی، با استفاده از ۱۱۱ مشاهده در مورد ۹۱ کشور با سطوح توسعه انسانی متفاوت، به این نتیجه رسید که نرخ ثبت نام در مقطع دبیرستان دارای رابطه معکوس و معنادار با فقر و نابرابری درآمدهاست و نسبت مخارج آموزشی به GNP نیز رابطه معکوس و معنادار بر فقر و نابرابری دارد.

ذالاکا (۲۰۰۷)، در مقاله خود با عنوان بررسی تأثیرگذاری آموزش بر فقر، اثرات پولی و غیر پولی آموزش را بر فقر در کشور کلمبیا ارزیابی نمود. هدف وی مطالعه بازده غیر پولی (غیر درآمدی) آموزش بود. وی در مطالعه خود درصدد آن بود که رابطه آموزش را با میزان ارضای نیازهای اساسی بررسی کند و بر این نکته تأکید کرد که توجه صرف به فقر درآمدی موجب عدم درک صحیح از فقر و جنبه‌های مختلف آن می‌شود.

ذالاکا در مطالعه خود، شاخص بوریجینیون و چاکاراتی را مورد استفاده قرار داد تا در مطالعه فقر، جنبه‌های مختلف آن در نظر گرفته شود. برای کاربرد این شاخص به خط فقر متناظر با جنبه‌های مختلف فقر نیاز است. برین اساس ذالاکا برای ارزیابی اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر از شاخص زیر که ابعاد مختلف فقر را پوشش می‌دهد استفاده کرد.

$$P_{\alpha, \beta, b}^n(x, z) = \frac{1}{n} \sum_i \left[I(x_{i1} < z_1) \left(1 - \frac{x_{i1}}{z_1} \right)^\beta + b \frac{\beta}{\alpha} I(x_{i2} < x_2) \left(1 - \frac{x_{i2}}{z_2} \right)^\beta \right]^{\frac{\alpha}{\beta}}$$

X_{2i} و X_{1i} به ترتیب عبارتند از کمیت جنبه اول و دوم برای فرد i ام. Z_1 و Z_2 نیز به ترتیب خط فقر متناظر با جنبه اول و دوم می‌باشند.

روش

از آن‌جاکه موضوع محوری این مقاله ارزیابی اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر از جمله فقر درآمدی و فقر مسکن و فقر بهداشتی است به مقدماتی نیاز است. در ابتدا باید انواع خط فقر محاسبه شود که در ادامه بحث نحوه محاسبه خط فقر درآمدی، مسکن و بهداشتی توضیح داده می‌شود. پس از آن با استفاده از داده‌های مخارج خانوارهای شهری و روستایی و انطباق آن با انواع خط فقر، خانوارهایی که دچار فقر درآمدی، مسکن و بهداشتی می‌باشند شناسایی و از خانوارهای غیر فقر تفکیک می‌شوند. برای ارزیابی تأثیر عوامل مختلف از جمله آموزش بر انواع فقر به داده‌هایی همچون سطح آموزش، سن، جنس، مخارج بهداشتی و مخارج مسکن خانوارهای شهری و روستایی نیاز است. علاوه بر این نسبت افراد شاغل نیز به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر فقر مورد توجه قرار گرفت. انتظار این است که با افزایش سطح تحصیل سرپرست خانوار، میزان فقر کاهش یابد. یعنی در واقع مطابق با نظریه سرمایه انسانی، با افزایش سطح تحصیلات نه تنها میزان درآمد افزایش می‌یابد بلکه قابلیت‌های افراد برای مقابله با انواع خطرها و مشکلات افزایش می‌یابد و به عبارت دیگر آموزش منجر به رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی فقر خواهد شد. علاوه بر این با توجه به این‌که انتظار این است که خانوارهای با سرپرست زن با احتمال بیشتری دچار محرومیت و فقر باشند، بنابراین در این پژوهش تأثیر آموزش بر فقر خانوارهای با سرپرست زن مورد توجه می‌باشد.

فرضیات و سؤالات تحقیق: همان‌گونه که در بخش‌های قبلی توضیح داده شد سؤال محوری این تحقیق این است که آیا آموزش بر فقر خانوارهای ایرانی به لحاظ آماری تأثیر معنادار دارد و آیا آموزش می‌تواند موجب کاهش فقر درآمدی و فقر مسکن و فقر

بهداشت شود. بر این اساس در این تحقیق فرض بر آن است که با افزایش سطح سواد سرپرست خانوار، احتمال این‌که خانوار دچار فقر باشد کاهش می‌یابد و یا به عبارت دیگر افزایش سواد موجب کاهش فقر در جامعه می‌شود. علاوه بر این نحوه اثرگذاری سن و جنس بر فقر نیز در زمره سؤالات این تحقیق می‌باشند.

داده‌های مطالعه: مطالعه پیرامون فقر، توزیع درآمد، الگوی مصرف نیاز به داده‌های غنی دارد، خوشبختانه طرح آماری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران با پوشش وسیعی از خانوارها، داده‌های لازم برای انواع مطالعات از جمله مطالعه حاضر را فراهم کرده است. در این تحقیق برای بررسی اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر مثل فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی از داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران استفاده می‌کنیم.

خط فقر درآمدی، مسکن و بهداشت

با توجه به این‌که این مطالعه در نظر دارد تأثیر آموزش را بر فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی خانوارها در مناطق شهری و روستایی کشور بررسی نماید، لازم است خانوارهای فقیر و غیر فقیر را از هم تشخیص دهیم. بر این اساس متناظر با هر یک از جنبه‌های فقر لازم است یک خط فقر محاسبه شود. در این مطالعه برای محاسبه خط فقر درآمدی از رویکرد انرژی دریافتی استفاده شد. در این خصوص لازم به توضیح است که برای محاسبه خط فقر روش‌های متعددی در ادبیات معرفی شده است و به‌کارگیری هر یک از این روش‌ها نتیجه متفاوت از سایر روش‌ها ارائه خواهد داد. انتخاب نحوه محاسبه خط فقر به این مسئله وابسته است که آیا مفهوم مطلق فقر مورد نظر است یا مفهوم نسبی آن. البته در قالب هر یک از این مفاهیم، روش‌های متفاوتی برای محاسبه اندازه فقر وجود دارد، به‌طوری‌که هر یک، اندازه فقر را متفاوت از روش دیگر ارزیابی می‌کند (سازمان ملل: ۲۰۰۵، مارتین راولیون: ۱۹۹۸، بانک جهانی: ۲۰۰۵) در مطالعات کاربردی پیرامون فقر در

ایران محققین با توجه با نگاه‌شان به مفهوم فقر و ارزیابی شان از بنیه و توان اقتصادی کشور در امر فقرزدایی، خط فقرهای متفاوتی را ارائه داده‌اند. خداداد (۱۳۸۴) ضمن معرفی انواع روش‌های اندازه‌گیری فقر و خط فقر، خط فقر را متناسب با هر یک از روش‌ها برای مناطق شهری و روستایی ایران محاسبه کرد و بر این نکته تأکید کرد که اساساً روش واحد برای اندازه‌گیری که مورد توافق همه پژوهش‌گران باشد وجود ندارد و لذا تفاوت در خط فقر محاسبه شده توسط پژوهش‌گران مختلف امری بدیهی و قابل پذیرش است.

نویسندگان این مقاله با توجه به واقعیت اقتصاد ایران و توانایی موجود برای مبارزه با فقر روش انرژی دریافتی را برای محاسبه فقر انتخاب می‌کنند. بدیهی است این روش در مقایسه با سایر روش‌های محاسبه فقر پیچیده‌تر و زمان برتر است و به داده‌های خام بودجه خانوار نیازمند می‌باشد. بر این اساس ابتدا خانوارهای شهری و روستایی به دهک درآمدی تفکیک شدند و سپس ماتریسی استخراج شد که عناصر آن میزان مصرف اقلام غذایی هر یک از دهک‌های درآمدی بود. پس از آن ماتریس ارزش‌های غذایی ایجاد شد. این ماتریس محتوای کالری، پروتئین، فسفر، کلسیم و املاح معدنی اقلام غذایی را معرفی می‌کند. با ضرب این دو ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستای به تفکیک دهک‌های درآمدی استخراج شد. بدین ترتیب با مشخص شدن میزان انرژی دریافتی دهک‌های مختلف درآمدی و با استفاده از روش فقر پژوهیان (۱۹۹۴) خط فقر درآمدی برای خانوارهای شهری و روستایی محاسبه شد.

با کاربرد رویکرد حداقل انرژی (۲۰۰۰ کالری در روز) خط فقر ماهانه برای هر فرد از خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۹۶۵۷۹ ریال در ماه و برای فرد شاخص از یک خانوار روستایی ماهانه معادل ۱۸۷۴۰۸ ریال در ماه محاسبه شد.

برای تعیین خط فقر مسکن از روش پیشنهادی سوری (۱۳۸۵) استفاده می‌کنیم. با توجه به روش سوری خط فقر مسکن از حاصلضرب خط فقر مطلق در نسبت مخارج مسکن شهرنشینان (روستاییان) به کل مخارج آن‌ها به دست می‌آید. همین رویه برای

محاسبه خط فقر بهداشتی به کار گرفته می‌شود. محاسبات دلالت بر آن دارد که خط فقر مسکن در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۸۶۵۰۰۴ و ۲۸۶۹۶۹ ریال و خط فقر بهداشتی ۲۸۸۸۳ و ۱۵۶۴۶ ریال به صورت سالانه برای هر فرد می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و تخمین مدل‌ها

داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری Stata مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به این که این مطالعه درصدد بررسی تأثیر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر می‌باشد لازم است از مدل‌های با متغیر وابسته موهومی استفاده شود. برای این کار مدل‌هایی هم چون لاجیت، پروبیت و LPM به کار برده می‌شود. در مدل لاجیت و پروبیت نیاز به تابع توزیع تجمعی داریم. در این تحقیق از تابع توزیع تجمعی نرمال استفاده می‌کنیم و در نتیجه مدل انتخابی ما مدل پروبیت می‌باشد. در مدل پروبیت اثر متغیرهای مستقل از جمله آموزش بر احتمال فقیر بودن یا عدم فقر خانوار ارزیابی می‌شود. به این ترتیب که ابتدا یک شاخص غیر قابل مشاهده مانند I را در نظر می‌گیریم به ترتیبی که مقدار این متغیر متأثر از مقادیر متغیرهای مستقل می‌باشد. برای مثال، هرچه که درآمد، ثروت و رفاه خانوار بیش تر باشد فرض بر این است که مقدار این شاخص کم تر خواهد بود به عبارت دیگر احتمال فقیر بودن خانوار کم تر خواهد بود. مدل انتخابی این مطالعه به شرح زیر می‌باشد.

$$I = \alpha + \beta_1 E_i + \beta_2 S_i + \beta_3 A_i + \beta_4 NI_i + U_i \quad (1)$$

در مدل فوق I متغیر وابسته می‌باشد. E_i نشان دهنده سطح تحصیلات سرپرست خانوار است که در ۶ گروه طبقه‌بندی شده است. S_i نشان دهنده جنس سرپرست خانوار می‌باشد A_i نشان دهنده سن سرپرست خانوار می‌باشد که در این مطالعه در ۵ گروه سنی طبقه‌بندی می‌شود. NI_i نشان دهنده نسبت افراد دارای درآمد خانوار به تعداد افراد خانوار می‌باشد.

اکنون این سؤال مطرح است که شاخص غیر قابل مشاهده I چگونه به فقر و یا عدم فقر خانوار مرتبط می‌باشد. متغیر Y را به ترتیبی در نظر می‌گیریم که اگر خانوار فقیر باشد مقدار یک و اگر غیر فقیر باشد مقدار صفر را بگیرد. سپس یک آستانه‌ای از شاخص I مثل I_i^* در نظر گرفته می‌شود به ترتیبی که اگر مقدار شاخص I برای هر خانوار از I_i^* تجاوز نماید آن خانوار فقیر تلقی می‌گردد. اگرچه آستانه I_i^* همانند شاخص I غیر قابل مشاهده است اما می‌توان فرض کرد که این شاخص به صورت نرمال با میانگین معین و واریانس ثابت توزیع شده است. با چنین فرضی این امکان فراهم می‌آید که پارامترهای مدل فوق الذکر تخمین زده شود با توجه به فرض نرمال بودن توزیع I می‌توان احتمال این‌که I_i^* کوچک‌تر یا مساوی I باشد را از طریق تابع توزیع تجمعی نرمال استاندارد به ترتیب زیر استخراج کرد:

$$P_i = \Pr(y = 1) = \Pr(I_i^* \leq I) = F(I) = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \int_{-\infty}^I e^{-\frac{t^2}{2}} dt$$

$$= \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \int_{-\infty}^{\alpha + \beta_1 E_i + \beta_2 S_i + \beta_3 A_i + \beta_4 NI_i + U_i} e^{-\frac{t^2}{2}} dt$$

در رابطه فوق، P_i بیان‌گر احتمال فقیر بودن خانوارهای معین می‌باشد. این احتمال توسط تابع توزیع تجمعی (CDF) قابل استخراج می‌باشد. اکنون برای استخراج مقدار شاخص I و تعیین احتمال فقر درآمدی و همچنین تخمین پارامترهای مدل از رابطه زیر استفاده می‌کنیم:

$$I_i = F^{-1}(I_i) = F^{-1}(P_i) = \alpha + \beta_1 E_i + \beta_2 S_i + \beta_3 A_i + \beta_4 NI_i + U_i \quad (1)$$

در مدل انتخابی این مقاله، احتمال فقیر بودن یک خانوار معین به تعدادی از متغیرها وابسته است و علاوه بر این، مدل احتمالی دارای توزیعی است که احتمال وقوع فقر را به اندازه متغیر مستقل وابسته می‌نماید. بر این اساس برای ارزیابی اثر متغیرهای مستقل بر

احتمال فقیر بودن خانوار از اثر نهایی استفاده می‌کنیم. برای مثال اثر نهایی Δx_k بر ΔP (تغییر در احتمال فقیر بودن خانوار) از رابطه زیر تعیین می‌شود:

$$\frac{dp_i}{dx_k} = \beta_k \times \hat{p}_i (1 - \hat{p}_i) = \beta_k \phi(x'\beta) \quad (4)$$

بستگی دارد.

برای تخمین رابطه بین آموزش با احتمال وقوع فقر مسکن و فقر بهداشت از روابطی مشابه رابطه (۱) استفاده می‌کنیم. در رابطه ۶ از متغیر Z_i به عنوان شاخصی از وضعیت مسکن و در رابطه ۷ از متغیر HL_i به عنوان شاخصی از وضعیت بهداشتی استفاده می‌کنیم:

$$I_{\text{housh}} = \alpha + \beta_1 E_i + \beta_2 S_i + \beta_3 A_i + \beta_4 N_i + \beta_5 Z_i + U_i \quad (6)$$

Z_i ، نشان دهنده مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوار می‌باشد و بقیه متغیرهای توضیحی مانند حالت فقر درآمدی یعنی رابطه (۱) می‌باشد.

در رابطه (۷) تأثیر آموزش و سایر متغیرها بر فقر بهداشتی تصریح شده است.

$$I_{\text{helth}} = \alpha + \beta_1 E_i + \beta_2 S_i + \beta_3 A_i + \beta_4 N_i + \beta_5 HL_i + U_i \quad (7)$$

در رابطه فوق HL_i نشان دهنده وضعیت دسترسی خانوار به آب لوله‌کشی و حمام می‌باشد به طوری که عدد ۱ نشان دهنده دسترسی خانوار و عدد ۰ نشانه عدم دسترسی به آب سالم و بهداشتی می‌باشد. بقیه متغیرهای توضیحی، تعریفی مشابه رابطه (۱) دارند. پس از معرفی سه معادله فوق شرایط لازم برای تخمین تأثیر آموزش و سایر متغیرها بر جنبه‌های مختلف فقر خانوارهای شهری و روستایی فراهم آمده است. در جدول ۱ نتایج حاصل از تخمین تأثیر متغیرهای مختلف بر فقر درآمدی درج شده است.

جدول ۱. نتایج برآورد مدل پروبیت برای فقر درآمدی در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی

اثر نهایی		ضریب متغیر		متغیر
مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	
-	-	-۱/۳۴۹	۰/۲۶۲۳ (۴/۶)	جمله ثابت
-۰/۰۱۲۱	-۰/۰۴۲۷	-۰/۰۶۹۸	-۰/۲۵۲۲ (-۲۸/۳۱)	سطح تحصیلات سرپرست خانوار
-۰/۱۲۴۳	-۰/۱۸۳۲	-۰/۷۱۸۳ (-۱۰/۲۷)	-۱/۰۸۲۰ (-۱۳/۳)	نسبت افراد دارای درآمد خانوار
۰/۰۰۴۰	-۰/۰۲۲۶	۰/۰۲۳۲ (-۰/۳۶)	-۰/۱۳۳۷ (-۱۰/۶۸)	سن سرپرست خانوار
۰/۰۵۸۲	-۰/۰۰۵۴	-۰/۳۳۶۶ (-۴/۰۳)	-۰/۰۳۱۸ (-۱/۶۸)	جنس سرپرست خانوار
		Number of obs = ۱۵۶۸۹ LRChi2(۵) = ۲۰۰/۹ prob > chi2 = ۰/۰۰۰۰ PseudoR2 = ۰/۰۱۸۲	Number of obs = ۱۳۲۸۹ LRChi2(۵) = ۱۲۳۳/۵ prob > chi2 = ۰/۰۰۰۰ PseudoR2 = ۰/۱۱۵۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آماره $LRChi2 = 1233/5$ ، نشان دهنده معنادار بودن کلی رگرسیون برآورد شده برای خانوارهای شهری می‌باشد. مطابق انتظار پارامتر تمامی متغیرهای توضیحی موجود در معادله رگرسیون به غیر از جنس معنادار می‌باشند. سطح تحصیلات سرپرست خانوار (آموزش)، نسبت افراد شاغل (کسب کننده درآمد) و سن سرپرست خانوار با متغیر وابسته (فقر درآمدی) رابطه معکوس و معنادار دارند. همچنین برای مناطق روستایی آماره $LRChi2(5) = 200/9$ نشان دهنده معنادار بودن کلی رگرسیون معادله فقر درآمدی می‌باشد. در مناطق روستایی تمامی متغیرهای توضیحی به غیر از سن سرپرست خانوار با فقر درآمدی دارای رابطه معکوس و معنادار می‌باشند. لازم به توضیح است که هم در

مناطق شهری و هم در مناطق روستایی وجود سرپرست زن احتمال فقیر بودن خانوار را افزایش می‌دهد. نتایج جدول فوق دلالت بر آن دارد که یک واحد افزایش در سطح تحصیلات سرپرست خانوار موجب کاهش احتمال فقیر بودن خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب به میزان $4/2$ و $1/21$ درصد می‌شود. همچنین با یک واحد افزایش در نسبت افراد شاغل و دارای درآمد خانوار، احتمال این‌که خانوار در مناطق شهری و روستایی در وضعیت فقر درآمدی قرار گیرند (متغیر وابسته ارزش ۱ بگیرد) به ترتیب $18/3$ و $12/4$ درصد کاهش می‌یابد.

علاوه بر این با افزایش سن سرپرست خانوار به میزان یک واحد (انتقال به گروه سنی بالاتر)، احتمال این‌که خانوار در مناطق شهری در وضعیت فقر درآمدی قرار گیرد (متغیر وابسته ارزش یک بگیرد) $0/21$ درصد کاهش پیدا می‌کند. متغیر سن در مناطق روستایی، تأثیر معناداری بر متغیر وابسته نشان نمی‌دهد.

اگر متغیر جنس سرپرست خانوار از ۰ به ۱ تغییر یابد، احتمال این‌که خانوار در مناطق روستایی در وضعیت فقر درآمدی قرار گیرد (متغیر وابسته ارزش یک بگیرد) به میزان $0/54$ درصد کاهش می‌کند یعنی مرد بودن سرپرست خانوار احتمال فقیر بودن خانوار را کاهش می‌دهد. متغیر جنس در مناطق شهری تأثیر معنادار بر احتمال فقر خانوار ندارد.

پس از بررسی تأثیر آموزش و سایر عوامل بر فقر درآمدی خانوارهای شهری و روستایی نوبت آن می‌رسد که تأثیر همان عوامل را بر فقر مسکن ارزیابی کنیم. مقدار آماره $LR\chi^2(5)$ برای رابطه (۶) دلالت بر معنادار بودن کلی تخمین این معادله برای مناطق شهری و روستایی دارد. خروجی حاصل از تخمین رابطه (۶) دلالت بر آن دارد که متغیرهای آموزش، سن و سطح زیربنای واحد مسکونی، نسبت افراد شاغل و مرد بودن سرپرست خانوار تأثیر معنادار و کاهنده بر فقر مسکن خانوارهای شهری و روستایی دارد. البته تأثیر سن بر فقر در مناطق روستایی معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲. نتایج برآورد مدل پروبیت برای فقر مسکن در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی

اثر نهایی		ضریب متغیر		متغیر
مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	
-	-	۰/۶۷۳۹ (۱۰/۳۹)	۱/۴۷۸۸ (۲۰/۲۸)	جمله ثابت
-۰/۰۴۰۳	-۰/۰۹۸۶	-۰/۱۰۶۵ (-۱۰/۴۱)	-۲/۶۵ (-۲۶/۴۳)	سطح تحصیلات سرپرست خانوار
۰/۱۶۸۵	-۰/۱۲۶۸	۰/۴۴۵۶ (۸/۴)	-۳۴۰۳ (-۶/۱۰)	نسبت افراد دارای درآمد خانوار
-۰/۰۰۰۹	-۰/۰۰۵۳	-۰/۰۰۲۴ (۱/۲۳)	-۰/۰۱۴۳ (-۱۵/۱۶)	سن سرپرست خانوار
-۰/۰۴۸۲	-۰/۰۳۳۴	-۰/۱۲۵۶ (-۳/۱۵)	-۰/۰۹۰۸ (-۲/۰۴)	جنس سرپرست خانوار
-۰/۰۰۴۷	-۰/۰۰۳۴	-۰/۰۱۴۵ (-۴۲/۳)	-۰/۰۰۹۲ (-۳۱/۴۳)	سطح زیر بنای واحد مسکونی
		Number of obs = ۱۵۶۸۹ LRhi۲(۵) = ۲۹۱۰/۴۴ prob > chi۲ = ۰/۰۰۰۰ PseudoR۲ = ۰/۱۳۸۱	Number of obs = ۱۳۲۸۹ LRhi۲(۵) = ۲۶۵۰/۴۷ prob > chi۲ = ۰/۰۰۰۰ PseudoR۲ = ۰/۱۴۹۸	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از تخمین معادلات فوق دلالت بر آن دارد که با افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار به میزان یک واحد، احتمال این که خانوار در مناطق شهری و روستایی در وضعیت فقر مسکن قرار داشته باشد به ترتیب به میزان ۹/۹ و ۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی به میزان یک واحد، احتمال این که خانوار در مناطق شهری و روستایی در وضعیت فقر مسکن قرار داشته باشد به میزان ۰/۳ و ۰/۴۷ درصد کاهش می‌یابد. مرد بودن سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی

احتمال فقر مسکن را به ترتیب به میزان ۳/۳ و ۴/۸ درصد کاهش می‌دهد. در جدول ۳ نتایج حاصل از تخمین عوامل مؤثر بر فقر بهداشتی خانوارهای شهری و روستایی (رابطه ۷) درج شده است. مقدار آماره $LR\chi^2(5)$ دلالت بر معناداری کلی تخمین فوق هم برای مناطق شهری و هم برای مناطق روستایی است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل پروبیت برای فقر بهداشت در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی

اثر نهایی		ضریب متغیر		متغیر
مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	
-	-	-۰/۸۴۹۲ (-۹/۰۹)	-۰/۷۹۶۱ (-۶/۶۵)	جمله ثابت
-۰/۰۰۷۰	-۰/۰۰۶۰	-۰/۰۴۲۲ (-۲/۶۱)	-۰/۰۳۵۷ (-۲/۴۵)	سطح تحصیلات سرپرست خانوار
۰/۰۰۸۷	۰/۰۴۷۳	۰/۰۵۲۶ (۰/۶۳)	۰/۲۸۱۲ (۱/۲۸)	نسبت افراد دارای درآمد خانوار
-۰/۰۰۰۷	-۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۴۲ (-۳۰/۵۶)	-۰/۰۰۶۸ (-۴/۹۵)	سن سرپرست خانوار
-۰/۲۶۹۷	-۰/۰۰۵۶	-۰/۱۵۰۵ (-۲/۴۸)	-۰/۰۳۲۵ (-۰/۴۹)	جنس سرپرست خانوار
-۰/۰۲۹۰	-۰/۰۴۵۷	-۱/۷۰۰ (-۴/۹)	-۰/۲۳۸۱ (-۳/۵۴)	دسترسی خانوار به آب لوله‌کشی و حمام
		Number of obs = ۱۱۰۰۹ LRChi ² (5) = ۵۵/۱۶ prob > chi ² = ۰/۰۰۰۰ PseudoR ² = ۰/۰۰۸۰	Number of obs = ۹۲۷۰ LRChi ² (5) = ۵۲/۰۴ prob > chi ² = ۰/۰۰۰۰ PseudoR ² = ۰/۰۰۸۹	

با ملاحظه ارقام جدول فوق مشخص می‌شود متغیرهای آموزش، سن، دسترسی به آب سالم اثر کاهنده و معنادار بر احتمال فقر خانوارهای شهری و روستایی دارند. البته تأثیر

متغیر نسبت افراد شاغل بر احتمال وقوع فقر هم در مناطق شهری وهم در مناطق روستایی بی معنی است. در مناطق روستایی مرد بودن سرپرست خانوار موجب کاهش معنادار احتمال وقوع فقر می شود درحالی که اثر این متغیر در مناطق شهری بی معنی است. ارقام جدول فوق دلالت بر آن دارد که با افزایش سن سرپرست خانوار به میزان یک واحد، احتمال فقر بهداشتی قرار خانوارها در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۰/۱۱ و ۰/۰۷ درصد کاهش می یابد. همچنین با افزایش سطح تحصیل سرپرست خانوار به میزان یک واحد، احتمال این که خانوار در مناطق شهری و روستایی در وضعیت فقر بهداشتی قرار گیرد به ترتیب ۰/۶ و ۰/۷ درصد کاهش می یابد. علاوه بر این افزایش دسترسی خانوار به آب سالم و بهداشتی، احتمال وقوع فقر در مناطق شهری و روستایی را به ترتیب به میزان ۴/۶ و ۲/۹ درصد کاهش می دهد. وجود سرپرست مرد در خانوارهای روستایی موجب کاهش وقوع فقر به میزان ۲۷ درصد می شود.

یافته ها

مطابق انتظارات نظری در این مقاله دریافتیم که آموزش کارکردی مشابه سرمایه گذاری در نیروی انسانی دارد و قابلیت افراد را در مدیریت مناسب تر زندگی و رفع مشکلاتی همچون فقر، افزایش می دهد. همچنین نتایج این مطالعه دلالت بر آن دارد که آموزش، متغیری تأثیرگذار بر کاهش فقر در جنبه های مختلف آن می باشد. با افزایش سطح آموزش احتمال وقوع فقر هم در خانوارهای شهری و هم در خانوارهای روستایی ایران کاهش می یابد. علاوه بر این دریافتیم با افزایش سن سرپرست خانوار، احتمال وقوع فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی در خانوارهای شهری ایرانی کاهش می یابد. علاوه بر این دریافتیم زن بودن سرپرست خانوار موجب افزایش احتمال وقوع فقر در خانوارهای شهری و روستایی ایران می شود.

تفسیر نتایج

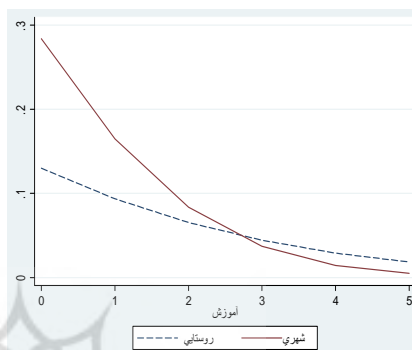
در خصوص اعتبار نتایج تحقیق لازم به توضیح است که اولاً داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از طرح آماری درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار ایران اخذ شده است و با توجه به این که این مرکز، مرجع و مسئول اجرای داده‌های آماری است بنابراین بر صحت داده‌ها و نتایج به دست آمده از این داده‌ها می‌توان اطمینان داشت. از طرف دیگر عمده یافته‌های این مطالعه با انتظارات نظری سازگار می‌باشد. نتایج این تحقیق با عقاید دانشمندانی همچون شولتز، بکر و نظریه سرمایه انسانی و دلالت‌های آن منطبق می‌باشد. اساساً آموزش و بازار آموزش به عنوان خدمتی با آثار خارجی مثبت شناخته شده است و توسعه آموزش به عنوان وظیفه سنتی دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود. در واقع آموزش نه تنها به طور مستقیم منافع را به صورت افزایش فرصت اشتغال و افزایش بازده درآمدی برای فرد فراهم می‌سازد بلکه موجب افزایش آگاهی فرد و بهبود کیفیت زندگی وی در ابعاد مختلف از جمله مسکن و بهداشت خواهد شد. برای مثال در این پژوهش دریافتیم افزایش سطح آموزش هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی به کاهش فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی منجر می‌شود.

چنان که ملاحظه شد، هم نظریه سرمایه انسانی و هم یافته‌های این پژوهش نقش آموزش در بهبود شرایط زندگی و کاهش فقر را تأیید می‌کنند. با توجه کشیدگی قاعده هرم سنی ایران، توسعه کمی و کیفی انواع آموزش در سطوح مختلف تمهید مناسبی برای جلوگیری از فقر و تنگدستی مردم ایران می‌باشد.

پیوست

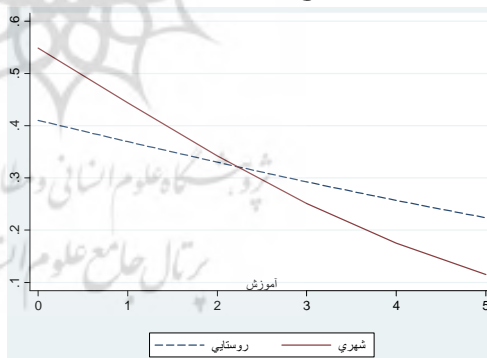
جدول و نمودار ۴. احتمال پیش‌بینی شده برای وضعیت فقر درآمدی خانوارها به ازای سطوح مختلف آموزش (سطح تحصیلات سرپرست خانوار) در مناطق شهری و روستایی کشور

آموزش	شهری	روستایی
۰	۰/۲۸۴	۰/۱۲۹۹
۱	۰/۱۶۴۶	۰/۰۹۳۶
۲	۰/۰۸۳۷	۰/۰۶۵۴
۳	۰/۰۳۷۱	۰/۰۴۴۳
۴	۰/۰۱۴۲	۰/۰۲۹
۵	۰۰۴۷	۰/۰۱۸۴



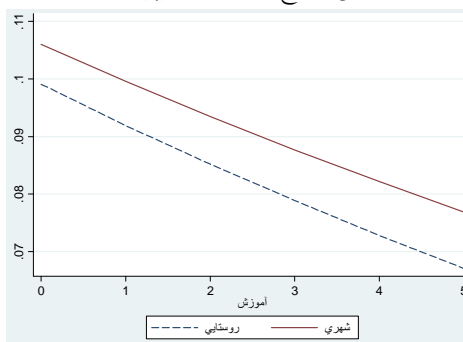
جدول و نمودار ۵. احتمال پیش‌بینی شده برای وضعیت فقر مسکن خانوارها به ازای سطوح مختلف آموزش (سطح تحصیلات سرپرست خانوار) در مناطق شهری و روستایی کشور

آموزش	شهری	روستایی
۰	۰/۵۴۸۹	۰/۴۱۰۴
۱	۰/۴۴۳۷	۰/۳۶۹۶
۲	۰/۳۴۲۴	۰/۳۳۰۲
۳	۰/۲۵۱۲	۰/۲۹۲۵
۴	۰/۱۷۴۹	۰/۲۵۷
۵	۰/۱۱۵۱	۰/۲۲۳۹



جدول و نمودار ۶. احتمال پیش‌بینی شده برای وضعیت فقر بهداشت خانوارها به ازای سطوح مختلف آموزش (سطح تحصیلات سرپرست خانوار) در مناطق شهری و روستایی کشور

آموزش	شهری	روستایی
۰	۰/۱۰۶	۰/۰۹۹۱
۱	۰/۰۹۹۶	۰/۰۹۱۹
۲	۰/۰۹۳۵	۰/۰۸۵۲
۳	۰/۰۸۷۷	۰/۰۷۸۹
۴	۰/۰۸۲۲	۰/۰۷۲۸
۵	۰/۰۷۶۹	۰/۰۶۷۱



- لپژویان، جمشید، ۱۳۷۵ «فقر، خط فقر و کاهش فقر» مجله برنامه و بودجه، سال اول شماره ۲.
- خداداد کاشی، فرهاد حیدری، خلیل و باقری، فریده، ۱۳۸۴ «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹» رفاه اجتماعی، ۴، ۱۷، تابستان ۱۳۸۴.
- خداداد کاشی، فرهاد، باقری، فریده، ۱۳۸۴ «نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی برحسب خصوصیات مختلف اقتصادی، خانوارهای ایرانی» فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۳۱-۴۲.
- راغفر، حسین، ۱۳۸۴ «فقر و ساختار قدرت در ایران» رفاه اجتماعی، شماره ۱۷ تابستان ۱۳۸۴.
- رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۸۴ «اندازه‌گیری شدت فقر در ایران: شاخص و پویا در ایران» فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
- سوری، داود، ۱۳۸۵ «بررسی مقایسه توزیع فقر درآمدی و فقر مسکن در کشور و کارایی نظام پرداخت یارانه‌های مسکن» کنفرانس مسکن.
- عظیمی، حسین، ۱۳۸۸ «مدارهای توسعه نیافتگی در ایران» چاپ پنجم، نشر نی.
- علمی، زهرا، کریمی پتانلر، سعید، کسرابی، کامران، ۱۳۸۵ «اثر آموزش در درآمد افراد شهری در ایران با استفاده از مدل‌های چند سطحی در سال ۱۳۸۲» مجله تحقیقات اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، ص ۲۷۲-۲۴۹.
- کفایی، سید محمدعلی و درستکار، عزت الله، ۱۳۸۶ «تأثیر آموزش رسمی بر توزیع درآمد در ایران» مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، بهار ۱۳۸۶، شماره ۳۰، ص ۵۳-۷۶.
- بانک جهانی، ۱۳۸۱ «گزارش توسعه هزاره (۱۳۸۱)، ۲۰۰۱-۲۰۰۰، مبارزه با فقر» ترجمه شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- محمودی، وحید و صمیمی فر، قاسم، ۱۳۸۴ «فقر قابلیت» رفاه اجتماعی شماره ۱۷.
- مهربانی، وحید، ۱۳۸۷ «تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۲، بهار ۱۳۸۷، ص ۲۱۱-۲۲۵.
- نجفی، بهالدین و شوشتریان، آشان، ۱۳۸۶ «برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین کننده‌های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۸۶.

- Becker, G., (1964, 1993, 3rd ed.). **Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education.** Chicago, University of Chicago Press.
- Chenery, Hollis et al (1974); "**Redistribution with growth: an approach to policy**" oxford university press.
- Mincer, J, (1985) "**Investment in human capital and personal income distribution**" **journal of political economy**, 4, 281-302.
- Pajooyan, J. (1994) "Method of establishing a poverty line" Iranian Economic Review.
- Ravallion, Martin, 1998 "**poverty lines in theory and practice**" **LSMS**, working paper No.133, world Bank.
- Salehi, I, D, 2009 "poverty, Inequality, and populist politics in Iran" **journal of Economic Inequality**, 7(1): 5-24, March.
- Salehi, I, D, 2010 and Majbouri, M., "Mobility and Dynamics of poverty in Iran: evidence from the 1992-1995 Panel Survey" **forthcoming in Review of Economics and Finance**, available online: doi: 10.1016/j.qref.2010.04.001, <http://dx.doi.org/10.1016/j.qref.2010.04.001>
- Schultz, T, (1961), "Investment in Human Capital" **American Economic Review**, 51, 1-17
- Sen, A., (1976), "**Poverty: An ordinal approach to measurement**" **Econometrica**, 44, 219-231.
- United Nation, 2005, " Hand book on poverty Statistics: Concepts, method and Public Policy)" **Special Projects on Poverty**, United Nation Statistics Division.
- World Bank (2000), "**Absolute and Relative Poverty Rate**".
- World Bank (2005), "**Introduction to Poverty analysis**", World Bank
- zuluaga , Blanca , 2007, " **different channels of impact of eduction on porerty: an analysis for Colombia.**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی